

In the name of the most compassionate

Burned biscuits 🔊))

After a long and hard day at work, mother set the table and put father's dinner on it in front of him: a plate of eggs, sausage and extremely burned biscuits. I waited and looked around to see if anyone noticed! 🔊))

Dad reached for his biscuit, smiled at mom and ask me how my day was at school. I don't remember what I told him that night, but I do remember watching him smear butter and jelly on that biscuit and swallow every bite! 🔊))

When I got from the table, I heard mom apologizing to dad for burning the biscuit. And I'll never forgot what he said: "Baby, I love burned biscuits!" 🔊))

Later that night, I want to kiss Daddy good night and asked him if he really liked his biscuits burned. He wrapped me in his arms and said, "your mom put in a hard day at work today and she's really tired, and besides a slightly burned biscuit never kills anybody!" 🔊))

Moralize:

You know, life is full of imperfect things and imperfect people. I'm not always best at everything and like everyone else, may forget birthday dates or anniversaries! 🔊))

What I've learned over the years is that we can learn to accept each other's fault and difference. And that is one the most important keys to create the healthy, growing, and lasting relationships. 🔊))

And my prayer for you today is that you learn to take in the good, the bad, and the difficult moment in your life and leave them to god. Because in the end, he's the only one who will be able to give you a relationship where a burnt biscuit isn't a deal-baker! 🔊))

Don't leave your key to happiness in someone else's pocket! It's better to always have it with yourself. 🔊))

متن فارسی :

به نام خداوند مهربان

بیسکویت های سوخته

مادرم پس از گذراندن یک روز سخت و طولانی شام پدرم را جلوی او گذاشت : یک بشقاب تخم مرغ ، سوسیس و بیسکویت های بی نهایت سوخته! منتظرم شدم که ببینم آیا کسی متوجه شده است.

پدرم دستش را به سوی بیسکویت دراز کرد، لیخندی به مادرم زد و از من پرسید که روزم در مدرسه چطور بود. خاطرم نیست که آن شب چه چیزی به پدرم گفتم، اما کاملاً یادم است که او را تماشا میکردم که داشت کره و ژله را روی آن بیسکویت سوخته می مالید و آن را می خورد.

وقتی از سر میز غذا بلند شدم ، صدای مادرم را شنیدم که برای سوزاندن بیسکویت ها از پدرم معذرت خواهی میکرد و هرگز چیزی را که پدرم گفت را فراموش نخواهم کرد : "عزیزم ، من عاشق بیسکویت های سوخته هستم."

همان شب، رفتم که پدرم را برای شب بخیر ببوسم و از او سوال کنم که آیا واقعا بیسکویت های سوخته را دوست داشت. او مرا در آغوش کشید و گفت: "مادرت امروز روز سختی را در سرکار گذرانده و خیلی خسته است. به علاوه ، بیسکویت کمی سوخته هرگز کسی را نمیکشد!"

نتیجه گیری اخلاقی:

زندگی پر از چیزهای ناقص و افراد دارای نقص است. من اصلا در هیچ چیزی بهترین نیستم، و روز های تولد و سالگرد ها را مثل هر کس دیگری فراموش میکنم.

اما چیزی که من در طی سال ها پی برده ام این است که ما میتوانیم عیب های همدیگر و تفاوت هایمان را بپذیریم. و این یکی از مهمترین راه های ایجاد روابط سالم و پایدار است.

و امروز دعای من برای تو این است که یاد بگیری که قسمت های خوب ، بد ، و ناخوشایند زندگی خود را بپذیری و آنها را به خدا واگذار کنی . چرا که در نهایت او تنها کسی است که می تواند رابطه ای به تو ببخشد که در آن بیسکویت سوخته موجب قهر نخواهد شد. ما میتوانیم این را به هر رابطه ای تعمیم دهیم. در واقع، تفاهم اساس هر رابطه ای است، همسر ، والدین ، فرزند ، برادر ، خواهر و یا یک دوست!

کلید دست یابی به شادی تان در جیب کسی دیگر نگذارید، آن را پیش خوتان نگهدارید.

متضاد	مترادف	معادل فارسی	انگلیسی
-	sorely	بشدت	Extremely
-	Broil	سوخته	Burn
-	Alarm	ملاحظه کردن ، اخطار	Notice
-	Touch	رسیدن ، نائل شدن	Reach
-	Laugh	لبخند زدن ، خندیدن	Smile
-	-	ژله	Jelly
-	Inoculate	آغشتن	Smear
-	-	کره	Butter
-	Pallor	زرد رنگ	Swallow
-	Pardon	معذرت خواهی کردن	Apologize
-	Swath	پیچیدن ، قنداق کردن	Wrap
Big	Trace	مقدار ناچیز	Slight
Perfect	Incomplete	ناقص ، ناتمام	Imperfect
-	-	جشن سالیانه ، مجلس یاد بود	Anniversary
Harm	Safety	سلامتی	Health
Shrink	Wax	رشد کردن	Grow
-	Coherency	وابستگی	Relationship
sad	Cheery	خوشحالی	Happiness
-	Sinus	جیب	Pocket